

## کتاب

## نتوانستیم اطلاعات اقتصادی افراد را جمع کنیم

دولت آقای روحانی که روی کار آمد آقای علی طیب نیا وزیر اقتصاد شد. وی در آن لایحه تغییراتی ایجاد کرد و در نهایت این لایحه با اعمال آن تغییرات در سال ۹۴ به تصویب مجلس رسید.

در لایحه‌ای که تصویب شد اگرچه موضوع اطلاعات اقتصادی آمده است اما ماده مالیات بر مجموع درآمد در آن حذف شده است! من معتقدم این لایحه باید ادامه پیدا می‌کرد و ما به این سمت که اطلاعات اقتصادی افراد باید به طور دقیق جمع‌آوری شود حرکت می‌کردیم، کاری که البته تا امروز نکردیم.

شما می‌دانید گروه‌های قدرتمند حاضر نیستند اطلاعاتشان را ارائه کنند، بنابراین اجرای چنین طرحی ممکن است مشکلات سیاسی ایجاد کند. این گروه‌ها یا قدرت اقتصادی و سیاسی دارند یا به دلایلی حاضر نیستند اطلاعات درآمدی و هزینه‌هایشان شفاف شود که البته این موضوع یک مسأله تاریخی در ایران است که دولت‌های مختلف باید روی این موضوع به عنوان یک برنامه اصلاحی تأکید کنند.



برای اینکه دقیق‌ترین اطلاعات را داشته باشید باید روی اطلاعات اقتصادی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنید. متأسفانه ما آمار و اطلاعات دقیقی از اطلاعات اقتصادی مردم ایران نداریم، در حالی که دولت برای اجرای موفق یک طرح هدفمند باید اطلاعات اقتصادی تک تک افراد جامعه را آن هم به صورت دقیق داشته باشد. این چیزی است که در آزادترین کشورهای دنیا از جمله کشورهای اسکاندیناوی نیز وجود دارد. در غیر این صورت نمی‌تواند هیچ طرح هدفمندی را با دقت و صحت انجام دهد.



# بی‌تدبیری دولت روحانی درباره یارانه‌ها

در زمان دولت قبل، با استفاده از یک شیوه اشتباه فکری کردند که مردم از دریافت یارانه انصراف می‌دهند، اما بالای ۹۰ درصد به درخواست دولت روحانی رأی منفی دادند

## گزارش

طی روزهای اخیر، بخش‌هایی از کتاب درس‌هایی از هدفمندی یارانه‌ها، به قلم مهدی مهرپور را بررسی و منتشر کردیم. کتاب در قالب گفت‌وگو با محمدرضا فرزین، دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها در دولت‌های نهم و دهم است. فرزین در قالب گفت‌وگوهای انجام شده در این کتاب، به تمامی مراحل انجام هدفمندسازی یارانه‌ها پرداخته است. اینکه چگونه طرح کلید خورد و چه بخش‌هایی را شامل شد. در این شماره نیز وی، درباره آزمایش و خطاهای انجام شده برای انجام دقیق دهک‌بندی‌ها و شناسایی مشمولان دریافت یارانه سخن گفته است.

متأسفانه ما آمار و اطلاعات دقیقی از اطلاعات اقتصادی مردم ایران نداریم، در حالی که دولت برای اجرای موفق یک طرح هدفمند باید اطلاعات اقتصادی تک تک افراد جامعه را آن هم به صورت دقیق داشته باشد. این چیزی است که در آزادترین کشورهای دنیا از جمله کشورهای اسکاندیناوی نیز وجود دارد. در غیر این صورت نمی‌تواند هیچ طرح هدفمندی را با دقت و صحت انجام دهد.

یعنی طرح هدفمندی در این زمینه موفق نبود؟ در ابتدا در حذف موفق نبودیم، اما بعداً متوجه شدیم که روش حذف باید کاملاً متفاوت باشد. البته با این عبارت که چون «این طرح نتوانست

دارد، چرا که هیچ دخالتی بدون داشتن اطلاعات صورت نمی‌گیرد. بنابراین اگر بخواهید دخالت کنید باید اطلاعات داشته باشید. اگر هم بخواهید اطلاعات داشته باشید این اطلاعات باید دقیق باشد و خطای یک درصدی و دو درصدی هم پذیرفتنی نیست. یک درصد از جمعیت ۸۰ میلیونی جامعه ایران ۸۰۰ هزار نفر می‌شود، ۸۰۰ هزار نفر عدد بسیار بالایی است؛ بنابراین خطاها باید بسیار کم باشند. اگر بخواهید میزان و درصد خطا را کاهش دهید باید اطلاعات‌تان را بیشتر کنید و حداکثر اطلاعات و دقیق‌ترین اطلاعات را داشته باشید. برای اینکه دقیق‌ترین اطلاعات را داشته باشید باید روی اطلاعات اقتصادی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنید.

که الان وجود دارد دولت مدعی است به بیش از ۷۶ میلیون نفر یارانه نقدی می‌دهد. این اعداد نشان دهنده این است که بخش عمده‌ای از مردم یارانه می‌گیرند. بنابراین روش خودانصرافی (targeting-self) هم خیلی موفق نبوده است. به نظرم خودانصرافی نیازمند یک نظام تشویقی-تنبیهی با یک استراتژی اطلاع‌رسانی مستمر است که تکرار می‌کند و افراد مختلف نیز راجع به آن اظهار نظر نمی‌کنند و مسائل نیز به فضای سیاسی کشیده نمی‌شود. وقتی شما می‌گویید خودانصرافی، یعنی دولت در رفاه مردم ورود می‌کند، به بیان دیگر شما دخالت دولت را می‌پذیرید، وقتی دخالت دولت را می‌پذیرید، این را هم باید بپذیرید که دولت نیاز به اطلاعات

به نظرتان این کار موفق بود؟ در شروع طرح بله. چون با ۶۳ میلیون نفر شروع کردیم ولی هر چه جلو رفتیم و هر چه فضا سیاسی‌تر شد؛ ادبیات هم کمی تغییر کرد. رئیس‌جمهور به این اعتقاد رسیده بود باید به همه یارانه داد، یارانه حق همه است. در کنار این موضوع عده‌ای که ابتدا نگران بودند اطلاعاتشان به سازمان مالیاتی می‌رود کم کم خاطرشان جمع شد که این خبرها نیست و جای این اطلاعات محفوظ است. برای همین آنها نیز به دریافت‌کنندگان یارانه پیوستند. در اواخر کار بود که تعداد افرادی که برای دریافت یارانه ثبت‌نام کردند به حدود ۷۲ میلیون نفر رسید. بر اساس آمار

عده‌ای را از دریافت یارانه حذف کند و یارانه به همه افراد پرداخت شد، بنابراین نتوانسته به بهبود توزیع درآمد کمک کند، پس این طرح موفق نبوده است» کاملاً مخالفم. آمارها نشان می‌دهد چون مصرف طبقات پردرآمد جامعه در روش قبلی بیشتر بود آنها ده‌ها برابر طبقات فقیر جامعه یارانه می‌گرفتند. اما وقتی پرداخت یارانه‌ها ولو به همه به طور مساوی صورت گیرد این اقدام حداقل توزیع درآمد را عادلانه‌تر می‌کند. حداقل کار این است که فرد پولداری که بر مصرف بود و مثلاً ۳ خودرو و ۲ خانه داشت و طبیعتاً ده‌ها برابر یک فرد روستایی که یک خانه کوچک و یک دوچرخه داشت از آب و برق و بنزین استفاده می‌کرد، ما این استفاده ده‌ها برابری را برابر کردیم. بنابراین به توزیع درآمد کمک کردیم. باید به این سمت حرکت کنیم که اطلاعات درآمدی خانواده‌ها را در سازمان مالیاتی جمع‌آوری کنیم. اگر نتوانیم این کار را انجام دهیم، در موضوع یارانه‌ها نمی‌توانیم هیچ طرحی را به دقت انجام دهیم. اصلاً به دلیل همین ضعف‌ها است که نمی‌توانیم از افرادی که باید صدها میلیارد تومان مالیات بدهند مالیات لازم را بگیریم. در این میان تمام تمرکزها به این سمت آمد که چرا به یک فرد ثروتمند باید ماهانه ۴۵۵۰۰ تومان پرداخت شود. یعنی همه به این ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان پرداختی به افراد پولدار حساس شدند اما کسی به صدها میلیارد تومان مالیاتی که این افراد باید پرداخت کنند اما به دلیل مشکلات و کاستی‌ها در نظام اطلاعات اقتصادی پرداخت نمی‌کنند حساس نیست.